

بررسی تطبیقی جبران زیان جمعی در نظام حقوقی کامن لا و فرانسه و ایران

هدایت‌اله سلطانی‌نژاد*

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه قم، قم، ایران

پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۵

دریافت: ۱۳۹۴/۰۴/۰۳

چکیده

خسارت تبعی وارد بر تمام اعضای یک گروه یا جمعیت به اعتبار عضویت یا دارا بودن هویت، منافع، اهداف و یا هرگونه وجه مشترک دیگری، زیان جمعی یا گروهی نامیده می‌شود. در این نوع زیان هیچ‌یک از اعضا به طور خاص و مستقیم زیان نمی‌بینند، لکن همه آنان به تبع صدمه وارد بر گروه و جمعیت به نحو یکسان دچار زیان می‌گردند. در این مقاله مفهوم، اوصاف، قابلیت جبران و نحوه مطالبه این قبیل خسارات مورد بررسی تطبیقی در سه نظام حقوقی س ایران قرار گرفته است. در نظام حقوقی کامن‌لا بویژه در انگلیس و آمریکا عنوان دعاوی گروهی بطور گسترده در قوانین و رویه قضایی پذیرفته شده و امری معمول است. در حقوق فرانسه با قیود و شرایط و محدودیت‌هایی این امر مورد پذیرش قرار گرفته است. در ایران طرح این گونه دعاوی معمول نیست و رویه قضایی وجود ندارد و بجز قوانین تازه-تصویب‌نشده‌های جغرافیایی و ثبت‌علائم تجاری، در گذشته قانون صریحی وجود نداشته است. با وجود این، براساس اصول حاکم بر جبران خسارت و از جمله اصل لا ضرر و ماده یک قانون مسئولیت مدنی، جبران ضرر جمعی قابل پذیرش به نظر می‌رسد و مطالبه خسارت به نمایندگی از جمع و یا در صورت فقدان شخصیت حقوقی جمعیت، طرح دعوا به وسیله

Email: dhs1339@gmail.com

*نویسنده مسئول مقاله:

هریک از اعضا امکان پذیر است.

واژگان کلیدی: جبران خسارت، جمعیت، زیان گروهی، نشانه‌های جغرافیایی، علائم جمعی

۱. مقدمه

مسئولیت مدنی در نظام های مختلف حقوقی هم در قوانین و رویه قضایی وهم دردکترین حقوقی تمرکز بر خسارات فردی نموده و اصول ومبانی وشرايط ايجاد مسئولیت و آثار آن را موردبررسی ویا پیش‌بینی قانونی قرار داده است وبه خسارت جمعی آنگونه که باید پرداخته است. در گذشته به دلیل سادگی روابط وشرايط حاکم بر زندگی اجتماعی امکان بروز زیان جمعی کمتر بود اما امروزه تغییر نحوه زندگی و افزایش زمینه های تضاد منافع، بستر ايجاد خسارات جمعی را بیش از پیش مهیا ساخته است وحمايت قانونی از آن ضرورت یافته است. براین اساس در این مقاله به صورت تطبیقی در نظام حقوقی کامن‌لا وحقوق فرانسه به‌عنوان مظهر نظام حقوق نوشته یا رومی - ژرمن و حقوق ایران ابتدا به بررسی مفهوم و مصادیق و مشخصه های اصلی زیان جمعی وتمایز آن از خسارت فردی وخسارت وارد بر جمعی از اشخاص معین پرداخته وسپس امکان جبران این گونه از خسارت ونحوه مطالبه وشيوه جبران آن مورد مطالعه قرار گرفته است.

۲. مفهوم و اوصاف زیان جمعی

در نظام حقوقی کامن‌لاوبطور مشخص حقوق انگلیس و آمریکا این نوع خسارت تحت عنوان دعوای جمعی یا گروهی^۱ مورد بحث قرار گرفته و در تعریف آن گفته شده است که: «دعوای گروهی مطالبه جبران خسارت وارد بر یک گروه یا جمعیت دارای منافع مشترک از طریق دادگاه صالح است که به وسیله شخص یا اشخاصی به نمایندگی از سایرین بدون نیاز به

1. Class action, Group Litigation, Representative Action



مشارکت همه آنان صورت می گیرد.» [۱، ص ۲۴۹]، این دعوای ممکن است یک نفر علیه گروهی از اشخاص یا گروهی علیه گروه دیگر یا گروهی علیه یک شخص مطرح کند و باید این اوصاف و ویژگی‌ها را دارا باشد: ۱- تعداد اعضای گروه آنقدر زیاد و گسترده باشد که امکان حضور همه آنان در دادگاه نباشد. ۲- منافع مشترک گروه مورد تعرض قرار گرفته باشد. ۳- نماینده باید از طرف همه اعضای نمایندگی داشته باشد و از منافع گروه حمایت کند. ۴- گروه باید به صورت یک مجموعه رسمی و قابل شناسایی باشد و به عبارت دیگر شخصیت حقوقی داشته باشد. ۵- خواسته خواهان یا دفاع خوانده باید همان خواسته گروه باشد. ۶- دادگاه احراز نماید که دعوای مطروحه گروهی است. ۷- در قانون برای زیان گروهی مورد شکایت یا ادعا، مجازات یا جبران خسارت پیش‌بینی شده باشد [۲، ص ۵۶].

این تعریف و اوصاف مورد اشاره با این ایرادات مواجه است: ۱- شرط دعوای زیان جمعی نباید فراوانی و گستردگی اعضای باشد زیرا چه بسا گروه معدود و قابل جمعی نه شخصاً که جمعا باعتبار عضویت یا تعلق به آن جمع آسیب مشترک و یکسان ببیند. در این صورت زیان جمعی است. ۲- در صورتی که دعوا به نمایندگی طرح شود باید سمت نمایندگی خواهان احراز شود لکن چنان‌که در مباحث بعدی خواهیم دید همه دعوای زیان جمعی به نمایندگی مطرح نمی‌شود بلکه اعضای گروه زیان‌دیده از جانب خود طرح دعوا می‌کنند. ۳- شرط دعوای زیان جمعی دارا بودن شخصیت حقوقی گروه نیست زیرا در این صورت بسیاری از زیان‌های وارد بر جمع بدلیل فقدان شخصیت حقوقی بی جبران می‌ماند و این امر با اصل لزوم جبران خسارت و مقررات ناظر بر آن منافات دارد.

در حقوق فرانسه در تعریف زیان جمعی^۱ گفته شده است: «خسارت مالی یا معنوی وارد بر یک جمع یا گروه که به لحاظ منافع و علایق و اهداف مشترک به صورت مجموعه شناخته می‌شوند؛ بدون آن‌که زیان به فرد یا افراد معینی از اعضای گروه محرز باشد.» [۳، ص ۱۲۰]، حقوقدانان فرانسوی تصریح کرده‌اند که هرگاه ضرر بر گروهی وارد شود بی

1. prejudice collectif/social

آن‌که بر افراد به طور مستقیم و به طور خاص وارد شود زیان جمعی است و جمع باید دارای شخصیت حقوقی باشد [۴ ، ص ۷۰۸]، بطورمثال ضرری که به جامعه پزشکی بر اثر طبابت غیر قانونی یک شخص فاقد صلاحیت و یا به وسیله یک صیاد قاچاقچی به اتحادیه ماهیگیران وارد می‌آید از این نوع بشمار می‌رود [۵ ، ص ۱۰۸]، در تعاریف ارایه شده در حقوق فرانسه به این ویژگی خسارت گروهی اشاره شده که باید شخصیت حقوقی داشته باشد و جمعیت های فاقد اساسنامه و شخصیت حقوقی امکان مطالبه جبران خسارت ندارند. همانگونه که در نقد برخی از نظریه‌های مطرح در نظام کامن لا گفته شد اگر شرط دعوای زیان جمعی دارا بودن شخصیت حقوقی جمعیت باشد بسیاری از زیان های جمعی که فاقد شخصیت حقوقی هستند بدون جبران می‌ماند.

در حقوق ایران تحت تاثیر حقوقدانان خارجی به خصوص فرانسه ، نویسندگان تعاریف مشابهی از زیان جمعی ارایه داده اند ، از جمله این‌که :

«ممکن است ضرر به گروهی وارد شده باشد، بی‌آنکه بتوان تشخیص داد که زیان به فرد یا افراد معینی رسیده است» [۶ ، ص ۱۳۷]، «این خسارت به جمعیت یا دسته‌ای از افراد می‌رسد بدون آنکه بتوان فرد معینی از این جمع را نشان داد که این خسارت متوجه او بوده است» [۷ ، ص ۸۳]، «ضررهای جمعی، زیان‌هایی هستند که به گروهی از افراد وارد می‌آید و این زیان‌ها بیشتر در زیان معنوی متصور است» [۸ ، ص ۲۱۲]، «خسارت جمعی یعنی ضررهایی که بر گروهی از افراد بدون آنکه بتوان فرد معینی را که خسارت متوجه او بوده است، مشخص نمود، وارد آید» [۹ ، ص ۸۳].

تعاریف ارائه شده از جامعیت لازم برخوردار نیست و آن را از خسارت فردی یا خسارت بر افراد متعدد متمایز نمی‌گرداند زیرا اولاً- صرفاً به دسته، گروه و جمعیت اشاره شده بدون آن که معلوم باشد گروه با چه تعداد عضو مورد نظر است و آیا خسارت وارد بر جمع، فارغ از اینکه محصور باشند یا نامحصور، خسارت جمعی محسوب می‌گردد؟ به همین جهت برخی از استادان حقوق در تعریف به این مشخصه توجه داشته و این‌گونه تعریف نموده‌اند: «... زیان به جمعی نامحصور وارد آمده است و چنان منتشر است که هیچ کس نمی‌تواند خود را زیان دیده اصلی بداند...» [۱۰ ، ص ۷۱]، یا در تعریف دیگری آمده: «... خساراتی که به



جمعی نامحدود وارد آمده و چنان منتشر است که به دشواری می‌توان زیان‌دیده از آن را محدود به اشخاص معین کرد...» [۱۱، ص ۱۰۴]، یا «در مواردی که خسارت بر شخص حقیقی یا حقوقی معینی به طور مشخص وارد نمی‌شود بلکه بر گروه یا دسته‌ای از اشخاص به طور جمعی و نامحدود وارد می‌شود...» [۱۲، ص ۷۱]، منظور از نامحصور بودن این است که به دلیل کثرت افراد جمعیت، در بدو امر شناسایی و شمارش میسر نباشد. اگر چه ممکن است بعداً در اثر سرشماری و نظایر آن تعداد دقیق افراد معلوم و محصور شود. در واقع آنچه که از نامحصور بودن مقصود می‌باشد همین تبادر ذهنی از نامحصور بودن است نه اینکه افراد جمعیت به هیچ طریقی قابل شناسایی و شمارش نباشند. چنان‌که گفته شده است: «جماعتی که احصای تعداد آنها نوعی دشواری و زحمت پدید آورد مانند وقف مزرعه‌ای بر دانشمندان ساکن تهران که احصای آنان محال نیست اما دشواری و عسرت دارد، این جماعت را غیر محصور گویند. اگر دشواری پدید نیاورد آن را محصور خوانند» [۱۳، ص ۸۴]، ثانیاً - جمعیت زیان‌دیده به دلیل وابستگی به یک صنف خاص، گروه، مکان و یا دارا بودن منافع، علایق، اهداف مشترک یک جمعیت را تشکیل می‌دهند به عبارت دیگر افراد جمعیت لا اقل در یک نقطه با یکدیگر مشترکند. به‌عنوان مثال ایرانیان به دلیل ایرانی بودن و... در حالی که در هیچ یک از تعاریف ارائه شده به این وجوه مشترک اعضای اشاره‌ای نشده است.

ثالثاً - دیگر اینکه، خسارت جمعی ناشی از یک فعل زیانبار واحد می‌باشد در حالی که در هیچ از تعاریف ارائه شده به این مشخصه اشاره نشده است. به عبارتی دیگر چنانچه زیان وارده به اشخاص چندین بار تکرار شود به این خسارت، خسارت جمعی اطلاق نمی‌گردد [۱۴، ص ۳۲۶].

رابعاً - در خسارت جمعی تمام افراد جمعیت به یک اندازه زیان می‌بینند و زیان به صورت مساوی در همه افراد منتشر شده است. چنانچه یکی از افراد جمعیت متحمل زیان بیشتری نسبت به سایر افراد جمعیت گردد، خسارت جمعی به مقدار مازاد صدق نمی‌کند به عبارت دیگر خسارتی خسارت جمعی محسوب می‌شود که سایر افراد جمعیت نیز متحمل آن

شده باشند. تعاریف ارائه شده در مورد خسارت جمعی فاقد این مشخصه می‌باشند. بر این اساس می‌توان گفت: خسارت تبعی وارد بر تمام اعضای یک گروه یا جمعیت اعم از محصور یا نامحصور به اعتبار عضویت یادارای بودن هویت، منافع، اهداف و یا هرگونه وجه مشترک دیگری، زیان جمعی یا گروهی نامیده می‌شود. در این نوع زیان هیچ یک از اعضای به طور خاص و مستقیم زیان نمی‌بیند لکن همه آنان به تبع صدمه وارد بر گروه و جمعیت بنحو یکسان دچار زیان می‌گردند. بنابراین خسارت وارد بر اشخاص حقوقی، زیان‌دیدگان متعدد و تکرار خسارت، خسارت جمعی محسوب نمی‌شوند.

۱- خسارت وارد بر اشخاص حقوقی: بیشتر نویسندگان خسارت وارد بر اشخاص حقوقی را خسارت جمعی دانسته‌اند [۱۵، ص ۷۸۷]، در حالی که شخص حقوقی واحد است نه جمعیت و ضرر وارد به شخص حقوقی همانند ضرر وارد به یک شخص حقیقی است و اگر منظور، ضرر وارد به سهامداران یا شرکاء است در این صورت صرف‌نظر از اینکه شخص حقوقی شخصیتی مستقل از اعضای خود دارد، چنانچه در اثر ضرر وارد به شخص حقوقی، سهامداران یا اعضای آن نیز متضرر گردند در این صورت نیز خسارت جمعی محقق نشده است بلکه خسارت بر هریک از اعضای جمع بطور مستقل وارد شده و به نسبت هریک جداگانه قابل مطالبه است.

البته گاهی خسارت به یک جمعیت وارد می‌آید اما یک شخصیت حقوقی به نمایندگی از جمعیت اقدام به مطالبه ضرر و زیان می‌نماید. در اینجا نمایندگی شخص حقوقی از جمعیت به منزله ورود خسارت به شخص حقوقی نیست بلکه ضرر به جمعیت وارد آمده و لیکن شخص حقوقی عهده‌دار مطالبه آن است.

۲- تعدد زیان‌دیدگان خسارت جمعی با تعدد زیان‌دیدگان نیز متفاوت است و نبایستی آن را یک نوع خسارت جمعی پنداشت. هرگاه زیان‌دیدگان تعدادشان بیش از یک نفر و در عین حال محصور باشند بحث تعدد زیان‌دیدگان پیش می‌آید اما تعداد آنها به قدری نیست که خسارت جمعی به آن اطلاق شود. خسارت وارد بر افراد متعدد دو حالت دارد گاهی هر زیان‌دیده ضرری مستقل از دیگران متحمل می‌گردد مثل آن‌که در اثر تقصیر شخصی چند خانه دچار حریق شود. اما گاهی ضرر وارد به یکی، نتیجه ضرر وارد به دیگران است مانند این‌که کسی

که به قتل می‌رسد، افراد تحت تکفل وی نیز متحمل ضرر می‌شوند [ص ۱۶، ۱۴۳].

۳- تکرار خسارت جمعی بودن خسارت با تکرار خسارت متفاوت است [ص ۱۷، ۴۲۹]، زیرا خسارت جمعی حاصل فعل زیانبار واحد است اما در تکرار خسارت فعل زیانبار به تعداد زیاندیدگان تکرار می‌شود. همچنین اگر زیان وارده به اشخاص معین چندین بار تکرار شود به این خسارت، خسارت جمعی اطلاق نمی‌شود و در هر بار بایستی زیان وارده جبران شود [ص ۱۵، ۹۲۰].

۳. قابلیت مطالبه زیان جمعی

در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه سه دیدگاه و رویه، عدم امکان مطالبه خسارت جمعی، امکان مطالبه بطور مطلق و در تمام انواع آن، قابلیت جبران با لحاظ شرایط مشخص و در سطح محدود نسبت به جبران زیانهای گروهی وجود دارد.

۳-۱. نظریه عدم امکان مطالبه

از دیدگاه طرفداران این نظر شرط قابلیت مطالبه خسارت، ویژه بودن آن است. «... خاص یا ویژه بودن زیان به این معنا است که تنها شخص یا اشخاص معینی زیان دیده باشند و نه همه اکثریت مردم یک جامعه، چنان که اگر در پی اقدام دولت یا یکی از نهادهای کشوری همه مردم یک شهر یا اکثریت شهروندان شهری زیان دیده باشند، چنین زیانی به احتمال قابل جبران نیست...» [ص ۱۴، ۷۸۶]، همچنین طرفداران این نظر معتقدند لزوم وجود ضرر که از ارکان مطالبه خسارت است در خسارت جمعی منتفی است زیرا هیچ یک از اعضای جمعیت ضرری مشخص که قابل استناد باشد، متحمل نشده و در چنین صورتی منطقی نیست، خسارتی که به صورت انفرادی قابل مطالبه نیست، با اجتماع افراد قابل مطالبه باشد [ص ۱۸، ۶۰]، به عبارت دیگر ورود ضرر مسلم نیست.

لکن اولاً، ویژه بودن خسارت شرط مطالبه آن نیست. ثانیاً، در خسارت جمعی ورود ضرر به افراد جمعیت مسلم است با این تفاوت که در خسارت فردی، فرد به صورت مستقیم مورد ضرر واقع می‌شود ولی در خسارت جمعی افراد به طور غیر مستقیم متحمل ضرر می‌شوند ولی در هر دو صورت ضرر موجود و مسلم است.

ثالثاً، اصل لزوم جبران خسارت و قاعده لا ضرر، ضرورت جبران هر خسارتی را اعم از فردی و جمعی را توجیه می‌نماید. اگر چه در مورد خسارت وارد به جمعیت نصّ قانونی وجود ندارد اما در عین حال امکان مطالبه آن نفی نشده است. ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی به طور مطلق هر نوع خسارتی که بدون مجوز قانونی به دیگری وارد آمده باشد را قابل جبران دانسته است و از این حیث فرقی بین خسارت فردی و جمعی وجود ندارد.

رابعاً، از نظر عقل و انصاف دلیلی وجود ندارد که حق فردی مورد حمایت قانونگذار باشد و لیکن حقوق جمعی از این حمایت بی‌بهره باشد. حقوق افراد جمعیت در پرتوی قاعده انصاف قابل حمایت است. [۱۹، ص ۱۰۹]

خامساً، در حقوق ایران با وضع قوانینی مثل قانون نشانه‌های جغرافیایی و قانون ثبت علائم تجاری (در مورد علائم جمعی) که به حمایت از حقوق جمعی می‌پردازند، نظریه عدم امکان مطالبه خسارت جمعی با تردید جدی روبروست.

۲-۳. نظریه امکان مشروط و محدود مطالبه

این نظریه بیش‌تر مورد قبول کشورهای تابع حقوق رومی - ژرمن قرار گرفته است. دکتترین و رویه قضایی فرانسه مطالبه جبران خسارت وارد بر اعضای رابرای گروه‌های دارای شخصیت حقوقی پذیرفته است [۲۰، ص ۱۲۳]، با وجود مخالفت اولیه رویه قضایی کیفری فرانسه از زمان تصویب قانون ۱۲ مارس ۱۹۲۰ قانونگذار صریحاً برای برخی انجمن‌ها نظیر سندیکاها، حرفه‌ای و انجمن مصرف‌کنندگان صلاحیت طرح دعوی خسارت گروهی را به رسمیت شناخته است. رویه قضایی تا مدتها مطالبه این‌گونه خسارات را بر مبنای اساسنامه آنها محدود به دفاع از منافع اعضای می‌نمودلکن در سالهای اخیر تمایل به پذیرش دعاوی

انجمن هایی که فراتر از منافع اعضای خود به دفاع از منافع گروه گسترده تری از افراد جامعه می پردازند افزایش یافته است و حتی در صورت فقدان صلاحیت قانونی، چنانچه زیان شخصی انجمن احراز شود دعاوی ای آنها مورد قبول واقع می شود و زیان گروهی در حکم زیان شخصی آن تشکل تلقی شود. با وجود این، تاکنون حقوق موضوعه فرانسه دعاوی گروهی مطروحه توسط یک شخص خصوصی به نمایندگی از یک گروه نامعین از اشخاص را نپذیرفته است. چنانکه در ماده ۱۰-۱۱ و ۱۱-۱۱ قانون کار، سندیکاهای حرفه ای را دارای شخصیت حقوقی دانسته و حق اقامه دعوا توسط آنان را جبران زیان مستقیم و غیر مستقیم به حرفه ای که نمایندگی آن را برعهده دارند در کلیه مراجع قضائی همانند شاکی خصوصی پذیرفته است. [۲۱، ص ۱۶۰]، البته دادگاه بر سابقه تشکیل، ثبت انجمن، اساسنامه، فایده اجتماعی آن و این که زیان وارده در محدوده منافی که انجمن از آن دفاع میکند توجه خواهد داشت و در صورت عدم احراز موارد مذکور ممکن است دعاوی گروهی را رد نماید. بنابراین دعاوی که با موضوع و اهداف انجمن ارتباط دارد و مجوز قانونی در آن خصوص وجود داشته باشد پذیرفته می شود و در این باره آراء زیادی از شعب کیفری دیوان کشور و دادگاه پاریس صادر شده است. [۲۲، ص ۷۸]

شعبه مدنی دیوان تمیز از گذشته دعاوی زیان جمعی دارای شخصیت حقوقی را پذیرفته و حتی اجازه داده است که یک انجمن برای خسارت وارده قبل از تشکیل خود اقامه دعا کند بشرط این که مقصود جبران ضرر وارد بر منافع گروهی خود اعضای باشد. به علاوه قانونگذار فرانسه در قوانینی چون قانون ۳ مارس ۱۹۴۵، ماده ۴-۳ قانون خانواده و کمکهای اجتماعی به برخی از انجمن ها که انجمن های ممتاز نامیده می شوند اجازه داده است که نه تنها برای زیان وارد به منافع گروهی اعضای خود که برای خسارت وارد بر کل گروه زیربط از جمله افرادی که عضو انجمن نیستند اقامه دعوا کند [۶، ص ۱۳۹].

در حقوق ایران متن صریح قانونی بطور عام در این زمینه وجود ندارد. تنها در قانون نشانه های جغرافیایی مصوب سال ۱۳۸۳ و قانون ثبت علائم تجاری امکان طرح دعاوی جمعی در-

خصوص همین موارد خاص پیش‌بینی شده است لکن برخی حقوقدانان ضمن پذیرش اصل امکان مطالبه خسارت جمعی دارا بودن شخصیت حقوقی را شرط مطالبه خسارت دانسته و جمعیتی را که فاقد شخصیت حقوقی است و یا نماینده‌ای جهت مطالبه ندارد، ذی حق در مطالبه خسارت نمی‌دانند [۱۰، ص ۲۷۳؛ ۶، ص ۱۳۹]، این دسته به داشتن شخصیت حقوقی و یا نماینده نیز اکتفاء نکرده و معتقدند جمعیت در صورت داشتن شخصیت حقوقی نیز تحت شرایطی خاص حق مطالبه خسارت دارد [۲۳، ص ۱۹۶].

طرفداران این نظر چون خسارت وارد به شخص حقوقی را خسارت جمعی می‌دانند در نتیجه بالاتفاق خسارات وارد به شرکتهای تجاری را قابل مطالبه می‌دانند زیرا مدیران شرکت حق اقامه دعوا و مطالبه خسارت دارند. لکن در مورد جمعیتهایی که دارای سندیکا، اتحادیه، کانون، انجمن و... هستند نظرها یکسان نیست. برخی معتقدند چون اعضا به تنهایی حق اقامه دعوا و مطالبه خسارت ندارند اجتماع آنها نیز چنین حقی را به وجود نخواهد آورد. برخی دیگر مطالبه خسارت را منوط به چگونگی هدف انجمن، مؤسسه، کانون و... می‌دانند و معتقدند در هر مورد که انجمن مظهر جمع شناخته می‌شود به طوری که خسارت به انجمن خسارت به جمعیت آن تلقی می‌شود در اینجا انجمن، مؤسسه و... صلاحیت اقامه دعوا دارند در غیر این صورت نمی‌توان انجمن را مظهر جمع و نماینده آن جهت مطالبه خسارت دانست [۱۰، ص ۲۷۵].

ایراداتی براین نظریه وارد است؛ از جمله این‌که خسارت وارد بر شخص حقوقی را خسارت جمعی می‌پندارند یا جمعیت فاقد شخصیت حقوقی یا فاقد نماینده را به دلیل فقدان شخصیت حقوقی محق در مطالبه خسارت نمی‌دانند در حالی که طبق تعریفی که از خسارت جمعی ارایه شد، این برداشت نادرست است و برفرض که جمعیت فاقد نماینده باشد این موضوع نافی حق اعضای آن در مطالبه خسارت وارد به خود نیست. زیرا وقتی نماینده حق طرح دعوا و مطالبه خسارت را از طرف اصیل دارد به طریق اولی خود اصیل (جمعیت) نیز دارای چنین حقی خواهد بود. شرط اساسی در طرح دعوا ذینفع بودن خواهان است که ممکن است شخصا یا به‌وسیله نماینده قانونی یا قراردادی او مطرح شود. در غیر این صورت مطابق بند ۵ ماده ۸۴ قانون آیین دادرسی مدنی ایران دعوا ردّ خواهد شد. در این رابطه در یکی از

آرای قضایی دادگاه پاریس در سال ۱۹۹۱ چنین آمده: «انجمنی که به طور قانونی می‌تواند جبران آسیب‌های وارده به منافع گروهی اعضایش را بخواهد در صورت نبود مجوز قانونی نمی‌تواند برای دفاع از منافع کلی در دادگستری اقامه دعوا کند» [۲۲، ص ۱۹۷].

۳-۳. نظریه امکان مطلق مطالبه زیان جمعی

این نظریه در حقوق کامن‌لا و بویژه در انگلیس و آمریکا بطور گسترده پذیرفته شده است. سابقه موضوع در انگلیس به قرون وسطی یعنی به حدود سالهای ۱۲۰۰ میلادی بر می‌گردد که این دعاوی به طور گسترده مورد رسیدگی قرار می‌گرفت و مبتنی بر ساختارهای اجتماعی نظیر روستا، بخش، شهر، صنف، اتحادیه، انجمن و مانند آن بود [۲۴، ص ۱۹۳]. در فاصله بین سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۷۹۹ میلادی بتدریج از حالت معمول به استثنا تبدیل و با محدودیت‌هایی روبرو شد تا این‌که از سال ۱۸۵۰ به بعد به همان گستردگی مورد توجه جدی قرار گرفت [۲۴، ص ۲۴۰].

در آمریکا بطور مشخص از سال ۱۹۶۶ به موجب قانون آیین دادرسی مدنی در دادگاه فدرال و بیشتر ایالت‌های امریکادعاوی گروهی مورد پذیرش گسترده قرار گرفته و در اصلاحات بعدی این قانون و نیز قانون دعاوی جمعی مصوب سال ۲۰۰۵ با پیش‌بینی مقررات دقیق‌تری راه بر جبران خسارت‌های جمعی و گروهی هموارتر گردیده است به گونه‌ای که گروه‌های جمعی فارغ از این‌که شخصیت حقوقی داشته یا نداشته باشند امکان طرح دعاوی خسارت وارد بر جمع را به نمایندگی یا نسبت به هریک بطور انفرادی دارند. دعاوی انجمن-های حمایت از حقوق مصرف‌کننده، سهامداران شرکتها، مستأجران اماکن خاص، خریداران و فروشندگان سهام، انجمن‌های طرفدار و حامی محیط زیست از جمله این دعاویست که با گستردگی مورد رسیدگی و حکم به جبران خسارت قرار می‌گیرد [۱، ص ۲۴۹؛ ۲، ص ۵۶؛ ۳، ص ۱۲۰].

در حقوق ایران چنان‌که شرح آن گذشت اگرچه قانون عام صریحی در این زمینه وجود

ندارد و اساساً طرح این قبیل دعاوی معمول نیست و به لحاظ نظری هم بیشتر نویسندگان با شرایط و محدودیت‌هایی قابل پذیرش دانسته‌اند لکن برخی دیگر خسارت جمعی را تحت هر شرایطی قابل مطالبه می‌دانند. این دسته معتقدند دلیلی وجود ندارد که در صورت غیر محصور بودن زیان‌دیدگان، وقتی که ارکان جمعیت جمع شد، حق مطالبه خسارت از میان برود [۲۵، ص ۲۷]، یا این‌که طرح دعوی خسارت جمعی منوط به داشتن شخصیت حقوقی باشد. بلکه داشتن شخصیت حقوقی شناسایی افراد مجموعه را میسر می‌سازد و مطالبه خسارت به نمایندگی از طرف آنها را آسان‌تر می‌کند [۲۶، ص ۲۳۶].

این نظریه با منطق حقوقی و روح قانون و رویکرد جدید قانونگذار ایرانی در قانون نشانه‌های جغرافیایی که تأکید بر حمایت از حقوق جمعی و اعطای حق مطالبه خسارت به هر یک از افراد زیان‌دیده دارد و ماده یک قانون مسئولیت مدنی سازگارتر است. زیرا خسارت فردی و جمعی هر دو خسارتی قابل مطالبه هستند و تفاوت آنها در تعداد زیان‌دیدگان آن-هاست. خسارتی که به جمعیت وارد می‌شود همانند خسارت وارد بر فرد است و چه بسا از اهمیت بیشتری نیز برخوردار باشد.

۴. مصادیق زیان جمعی قابل مطالبه در حقوق ایران

قانونگذار ایران در دو مورد برامکان جبران زیان جمعی تصریح کرده است؛ علایم جمعی و نشانه‌های جغرافیایی. بند «ب» از ماده ۳۰ قانون ثبت علائم تجاری (مصوب سال ۱۳۸۶) علامت جمعی را اینگونه تعریف کرده است: «علامت جمعی یعنی هر نشان قابل رؤیتی که با عنوان علامت جمعی در اظهارنامه ثبت معرفی می‌شود و بتواند مبدأ و یا هرگونه خصوصیات دیگر مانند کیفیت کالا یا خدمات اشخاص حقیقی و حقوقی را که از این نشان تحت نظارت مالک علامت ثبت شده جمعی استفاده می‌کنند متمایز سازد.» مانند علامت‌های مربوط به کانون وکلا و غیره. این علامت بیشتر به عضویت افراد تأکید دارد و برخلاف نشانه‌های جغرافیایی با کیفیت محصول و یا انتساب به محل جغرافیایی خاص، ارتباط ندارد. در صورت سوء استفاده از این علامت، هر ذی‌نفع طبق ماده ۴۱ قانون اخیرالذکر حق

مراجعه به دادگاه و درخواست جبران خسارت و ابطال علامت را دارد. بدیهی است منظور از ذی نفع در این ماده هر یک از افراد جمعیت است که حق استفاده از علامت جمعی را دارد و افراد خارج از این جمعیت ذی نفع محسوب نخواهند شد. ماده ۴۲ نیز در خصوص اعمال و اجرای کلیه مقررات این قانون نسبت به علائم جمعی مقرر می‌دارد: «مواد ۳۱ تا ۴۱ این قانون در مورد علائم جمعی نیز قابل اعمال است.»

ماده ۶۱ این قانون علاوه بر جبران خسارت، مجازات کیفری حبس تعزیری و جریمه نقدی برای سوء استفاده کنندگان از علائم جمعی در نظر گرفته است همچنین ابطال علامت نیز به حکم ماده ۴۱ از شیوه‌های جبران خسارت است.

ماده ۵۹ این قانون نیز برخلاف قاعده، اختلافات ناشی از اجرای این قانون را در صلاحیت شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی و انقلاب تهران دانسته است و رسیدگی این دادگاه‌ها را تابع مقررات قانون آیین دادرسی عمومی و انقلاب در امور مدنی دانسته است.

بند «الف» ماده ۱ قانون نشانه‌های جغرافیایی (مصوب سال ۱۳۸۳) با تعریف آن مقرر می‌دارد: «نشانه جغرافیایی، نشانه‌ای است که مبدأ کالایی را به قلمرو، منطقه یا ناحیه‌ای از کشور منتسب می‌سازد مشروط بر این‌که کیفیت و مرغوبیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا اساساً قابل انتساب به مبدأ جغرافیایی آن باشد.» و در بند «ب» همان ماده آمده است: «کالا یعنی هرگونه محصول طبیعی و کشاورزی و یا فرآورده‌های آن یا صنایع دستی و یا تولیدات صنعتی» و در بند «د» تولید کننده یا ذی نفع را هر شخصی می‌داند که «... به تولید و فرآوری محصولات کشاورزی، دامی و غذایی یا ساخت و تولید ابزار صنعتی و مصنوعات دستی اشتغال دارد یا از مواد طبیعی به منظور تولید بهره‌برداری می‌کند یا در تجارت محصولات مذکور فعالیت می‌کند.»

برخی از کالاها (تولیدات) با نام یک شهر، منطقه یا محل شناخته می‌شوند در واقع آنچه در مرغوبیت و مطلوبیت این نوع کالاها اهمیت بیشتری دارد انتساب آنها به یک نقطه جغرافیایی خاص است نه اسم و یا نشانی که از آنها استفاده می‌شود؛ مثل، زعفران قائنات

و... این اسامی برچسب محصولات منطقه‌ای خاص بوده، در زبان حقوقی به این برچسب‌ها نشانه‌های جغرافیایی گفته می‌شود. رابطه نشانه‌های جغرافیایی با فولکلور، عموم و خصوص مطلق است. بدین توضیح که هر نشانه جغرافیایی مصداقی از فولکلور است ولی هر جلوه فولکلور نشانه جغرافیایی نیست [۲۷، ص ۲۴].

حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در سطح بین‌المللی نیز توسط کنوانسیون پاریس (مصوب ۱۸۸۳) که ایران در سال ۱۳۳۷ به این معاهده ملحق شده و نیز موافقتنامه لیسبون (مصوب ۱۹۵۸) که در سال ۱۳۸۳ عیناً به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، صورت می‌گیرد.

ماده ۲ قانون نشانه‌های جغرافیایی هر تولیدکننده‌ای را که از نشانه‌های جغرافیایی جهت تولید کالای خود استفاده می‌کند، ذی نفع قلمداد کرده و حق طرح دعوا به آنها جهت جلوگیری از اعمال زیانبار اعطا نموده است. در ماده ۶ این قانون نیز مجازات کیفری حبس و جزای نقدی برای سوء استفاده کنندگان از این نشانه‌ها پیش‌بینی شده و در مواد ۱۱ و ۱۴ اصلاح و ابطال علامت نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

علی‌الاصول، دادگاه صالح جهت رسیدگی به خسارات وارده به افراد جمعیت، دادگاه محل اقامتگاه خوانده (فاعل زیان) و در شکایات کیفری، دادگاه محل وقوع جرم است اما قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی این قاعده را نقض نموده و در ماده ۱۳ رسیدگی به این دعاوی را در صلاحیت دادگاه عمومی و انقلاب تهران دانسته است.

۵. نحوه مطالبه خسارت جمعی

بافرض امکان پذیرش دعاوی زیان جمعی و تحقق ارکان مسئولیت، نحوه مطالبه خسارت جمعی اعم از مالی یا معنوی در جمعیت‌های دارای شخصیت حقوقی و نماینده قانونی یا قراردادی و گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی و نماینده، صرف نظر از محصور یا نامحصور بودن آنان حائز اهمیت است. در دو نظام حقوقی کامن‌لا و فرانسه با اغماض از اختلاف نظرها به شرحی که گذشت در قوانین و رویه قضایی و دکترین حقوقی گروه‌های واجد شخصیت



حقوقی و نماینده مثل انجمن‌های صنفی، سندیکاهای، کانون وکلا و غیره محق در مطالبه خسارت هستند و چنانچه نماینده به موجب قانون یا قرارداد (اساسنامه) حق دفاع از حقوق جمعیت را داشته باشد، می‌تواند به نمایندگی از جمعیت احقاق حق کند. [۲، ص ۲؛ ۲۲، ص ۲۰۴؛ ۲۴، ص ۳۹]، در حقوق ایران قانون عام یا رویه قضایی در این خصوص وجود ندارد ولی دکتترین حقوقی که قایل به قابلیت جبران این نوع خسارات است مانند دو نظام حقوقی مورد مطالعه، بر این نظر است که نماینده حق طرح دعوا از جانب گروه دارای شخصیت حقوقی را دارد [۱۲، ص ۳۶۱؛ ۱۰، ص ۲۷۴]. زیرا نماینده شخصی است که با اذن دیگری یا به حکم قانون می‌تواند به نام این شخص و به حساب او عمل کند. [۲۷، ص ۲۴]. ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی نیز فقط نمایندگان قراردادی و قانونی را ذی سمت در طرح دعوا می‌داند. اما چنانچه در قانون یا اساسنامه انجمن، صنف، اتحادیه و غیره حق طرح دعوا توسط نماینده مسکوت باشد هر یک از افراد جمعیت مستقلاً حق طرح دعوا و مطالبه ضرر و زیان علیه مقصر را خواهد داشت.

در پاسخ به این پرسش که آیا با وجود نماینده، هر یک از افراد جمعیت حق طرح دعوا دارند یا خیر؟ می‌توان گفت هر چند طبق قواعد عمومی و مواد قانونی راجع به وکالت در قانون مدنی، اصل خود نیز حق انجام مورد وکالت را دارد اما باید توجه داشت که در اینجا وضع متفاوت است. زیرا اولاً بسیاری از نمایندگی‌های جمعیت را قانون اعطا کرده است و این نمایندگی‌ها قهراً به اعضای جمعیت تحمیل می‌گردد. ثانیاً، برفرض که این نمایندگی‌ها به صورت قراردادی یعنی به صورت پیش‌بینی در اساسنامه باشد در این فرض هم یکی از افراد جمعیت به تنهایی حق طرح دعوا نخواهد داشت زیرا این نمایندگی با تصمیم اکثریت به نماینده اعطا شده و با تصمیم اکثریت نیز زائل می‌گردد. پس به‌عنوان نتیجه می‌توان گفت اعضای یک جمعیت دارای نماینده به تنهایی حق طرح دعوا و مطالبه خسارت را ندارند مگر از طریق نماینده.

گروه‌های فاقد شخصیت حقوقی و نماینده مانند گروه‌های صنفی، شغلی، که به‌صورت

سازمان یافته و رسمی تشکیل نشده و شخصیت حقوقی ندارند و در نتیجه فرد یا افراد معینی به عنوان نماینده آنان وجود ندارد در حقوق فرانسه و ایران امکان طرح دعوا ندارند لکن در نظام کامن لا و نیز بنا بر نظریه منتخب در حقوق ایران مبنی بر امکان طرح این قبیل دعاوی می‌توان گفت از آنجایی که جمعیت فاقد نماینده، نماینده‌ای جهت طرح دعوا ندارد و جمع شدن تمام افراد جمعیت نیز امکانپذیر نیست امکان مطالبه خسارت توسط هر یک از افراد جمعیت وجود دارد [۲، ص ۳]، در قوانین ایران ماده ۲ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی (مصوب سال ۱۳۸۳) و ماده ۱۹ قانون دیوان عدالت اداری نظریه نگارنده را تایید می‌کنند و نمونه‌ای از مطالبه خسارت توسط هر یک از افراد جمعیت می‌باشند [۲۸، ص ۱۳۵]

ماهیت خسارات وارد بر جمعیت ممکن است مالی یا معنوی باشد که از این جهت نیز نحوه مطالبه هر یک متفاوت است. درخواست جبران خسارات مالی یا معنوی به نمایندگی از جمعیت یکجا صورت می‌گیرد ولی برفرض عدم وجود نماینده هر یک از افراد جمعیت حق طرح دعوا و مطالبه خسارت را مستقلاً خواهد داشت. در نتیجه هر یک از افراد جمعیت در خسارت‌های مالی فقط می‌تواند به نسبت سهم خود جبران خسارت را بخواهد و مانع از طرح دعاوی سایرین به نسبت خود نیست.

خسارات معنوی که بر جمعیت وارد می‌شود برخلاف خسارت‌های مالی تجزیه ناپذیرند. در نتیجه یکی از افراد جمعیت می‌تواند جبران کل خسارت معنوی را بخواهد بدون آن‌که لازم باشد دیگران با وی همراهی کنند و مطالبه یک نفر از افراد جمعیت هدف سایرین را نیز تأمین نموده و حق آنان را در مطالبه زائل می‌سازد.

۶. روش جبران خسارت

شیوه‌های جبران خسارت بر حسب نوع زیان وارد متفاوت هستند و روش‌هایی که در قوانین به آنها اشاره شده جنبه حصری نداشته و، ممکن است برای جبران یک خسارت از چند شیوه جبران به صورت توأمان استفاده شود. بطور کلی چهار روش جبران خسارت در نظام‌های حقوقی مورد مطالعه وجود دارد که با توجه به نوع خسارت، خواسته خواهان،

اصول کلی حقوقی چون اصل جبران کامل خسارت، مقررات قانونی و رویه معمول قضایی دادگاه بر حسب مورد یکی را برای حکم به جبران خسارت زیاندیدگان جمعی بر می‌گزیند.

۱-۶. جبران کامل یا اعاده وضع

اصل جبران کامل خسارت که در نظام حقوقی فرانسه و برخی کنوانسیون‌های بین‌المللی صریحاً و در نظام کامن‌لا و حقوق ایران تلویحاً پذیرفته شده و با عدالت و منطق حقوقی سازگار است ایجاب می‌کند هر زیانی که به اشخاص اعم از فردی یا گروهی وارد شود با لحاظ شرایط مسئولیت به نحو کامل جبران گردد تا زیان‌دیده به شرایط پیش از ورود ضرر بر گردد به گونه‌ای که گویی هیچ زیانی بر او وارد نشده است [۲۹، ص ۳۷۴]. برخی حقوقدانان نمونه‌هایی را به‌عنوان جبران کامل نام برده‌اند که ضمن تأکید بر این‌که نقطه مطلوب در جبران خسارت، جبران کامل است لکن هیچ یک از نمونه‌های مورد ذکر مصداق واقعی اعاده وضع به نظر نمی‌رسد.

الف) بازگرداندن عین مال: ماده ۳۱۱ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «غاصب باید مال مغضوب را عیناً به صاحب آن رد نماید...».

ب) الزام به تعمیر و رفع عیب: ماده ۳۲۹ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید...».

ج) از بین بردن منشأ ضرر: در مواردی که عامل ورود زیان به کاری دست می‌زند که به طور مستمر وسیله اضرار می‌شود، از بین بردن این وسیله بهترین راه جبران ضرر است...» [۱۰، ص ۶۸۱]. ابطال مصوبات خلاف قانون دولتی که هر ذی نفع می‌تواند از دیوان عدالت اداری درخواست نماید از بین بردن منشأ ضرر و موقعیت زیانبار است. همچنین ابطال نشانه‌های جغرافیایی که به صورت غیر واقعی منسوب به یک مبدأ جغرافیایی شده‌اند و در ماده ۱۴ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی به آن اشاره شده نیز از قبیل همین نوع جبران است.

د) الزام به عذرخواهی: این نوع جبران صرفاً در خسارت‌های معنوی متصور است. در این مورد میتوان به ماده ۱۰ قانون مسئولیت مدنی اشاره نمود.

و) حق پاسخگویی: ماده ۲۳ قانون مطبوعات در این خصوص مقرر می‌دارد: «هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افتراء، یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتباً برای همان نشریه بفرسد و نشریه مزبور مکلف است... به چاپ برساند...».

موارد ذکر شده را نمی‌توان مصداق جبران کامل شناخت زیرا به یقین زیان‌های معنوی به طور کامل جبران نمی‌شوند [۳۰، ص ۸۸].

۲-۶. جبران نسبی یا معادل

مناسب‌ترین روش جبران خسارت در سیستم‌های حقوقی جبران ضرر از راه دادن معادل است که در زیان‌های مالی حکم به دادن مثل در اموال مثلی یا پرداخت قیمت در اموال قیمی یا تعمیر و تعویض مال و یا انجام و یا ترک فعلی است که به داوری عرف جایگزین مناسب و عادلانه ای برای خسارت وارده و آنچه زیان‌دیده از دست داده محسوب شود و در زیان‌های معنوی نیز با لحاظ شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر زیان‌دیده و عامل زیان و عرف دادگاه، نحوه جبران و میزان آن رامشخص می‌سازد.

۳-۶. جبران کیفری

این نوع جبران خسارت در نظام حقوقی کامن‌لا سابقه طولانی دارد و در حال حاضر در آمریکا، انگلیس و فرانسه علاوه بر سایر خسارات این نوع خسارت نیز در مواردی تعیین می‌شود که زیان وارده ناشی از عمد و سوء نیت باشد. در این کشورها در برخی پرونده‌ها دادگاه حکم به پرداخت خسارت تنبیهی به مبالغ بالایی داده است [۳۱، ص ۸۸]. در حقوق ایران مقرراتی که خسارت تنبیهی را به رسمیت شناخته باشد وجود ندارد لکن اعمال مجازات می‌تواند نقش جبرانی برای زیان‌دیدگان داشته باشد. نمونه آن در خسارت‌های جمعی ماده ۶ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی و ماده ۶۱ قانون ثبت علائم تجاری و ماده ۵۱۳ قانون



مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است.

۴-۶. جبران اسمی یا نمادین

در حقوق انگلیس، آمریکا و فرانسه در مواردی که زیان وارده اندک باشد یا زیان دیده صرف محکومیت عامل زیان را درخواست کند دادگاه مبلغی خسارت که از لحاظ مالی ارزش ناچیزی دارد به طور نمادین به نفع خواهان تعیین می نماید و معمولاً یک واحد پولی آن کشور مثل یک دلار یا فرانک است که صرف محکومیت خوانده را نشان می دهد [۳۲، ص ۲۰۷]، در حقوق مانامی از این روش جبران به میان نیامده است لکن به لحاظ حقوقی منعی ندارد و چنانچه مورد درخواست زیان دیده قرار گیرد دادگاه با استناد ماده یک قانون مسؤلیت مدنی می تواند خسارت نمادین تعیین نماید.

۷. نتیجه

از بررسی تطبیقی در سه نظام حقوقی کامن لا، فرانسه و ایران این نتیجه به دست آمده است که خسارت تبعی وارد بر تمام اعضای یک گروه یا جمعیت اعم از محصور یا نامحصور به اعتبار عضویت یا دارا بودن هویت، منافع، اهداف و یا هرگونه وجه مشترک دیگری، زیان جمعی یا گروهی نامیده می شود. در این نوع زیان هیچ یک از اعضای به طور خاص و مستقیم زیان نمی بیند لکن همه آنان به تبع صدمه وارد بر گروه و جمعیت به نحو یکسان دچار زیان می گردند. زیان جمعی در کامن لا تحت عنوان دعوای گروهی از دیرباز به نحو گسترده قابل مطالبه شناخته شده و آراء زیادی در مورد جبران خسارات مالی و معنوی وارد بر گروه های دارای شخصیت حقوقی و نماینده قانونی و یا فاقد شخصیت و نماینده قانونی صادر گردیده است. در حقوق فرانسه صرفاً خسارات وارد بر گروه های دارای شخصیت حقوقی و نماینده، قابل جبران شناخته شده است. در حقوق ایران قانون عام و کلی ناظر به این قبیل خسارات در دست نیست و طرح اینگونه دعوای معمول نیست و رویه قضایی هم وجود

ندارد. تنها در دو قانون نشانه‌های جغرافیایی (مصوب سال ۱۳۸۳) و علایم تجارتي سال ۱۳۸۶ بطور خاص و موردی، حق طرح دعوی مطالبه خسارت جمعی پذیرفته شده است. دکترين حقوقی نیز جبران زیان جمعی وارد بر جمع‌های واجد شخصیت حقوقی و نماینده را قابل مطالبه دانسته است لکن به نظر می‌رسد خسارت جمعی و فردی در آثار هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و طبق اصول کلی جبران خسارت و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی هر دو بایستی جبران گردند.

در این صورت اگر جمعیت دارای نماینده باشد و نماینده به موجب قانون یا قرارداد حق طرح دعوا و مطالبه ضرر و زیان را از جانب جمعیت داشته باشد، فقط نماینده به نمایندگی از جمعیت حق دادخواهی دارد در غیر این صورت هر یک از افراد جمعیت حق مطالبه خسارت را مستقلاً خواهد داشت و در برخی موارد ممکن است با مطالبه یک نفر از افراد جمعیت، از دیگران نیز رفع ضرر گردد در این صورت هدف سایر افراد از طرح دعوا تأمین می‌شود.

چهار روش جبران کامل، نسبی، نمادین و کیفری در مورد خسارت جمعی نیز مانند خسارات فردی وجود دارد که دادگاه بر حسب مورد و با توجه به نوع خسارت، شرایط عامل خسارت و زیان‌دیده بر می‌گزیند. با توجه به تشکیل جمعیت‌ها، اصناف، اتحادیه‌ها و... که افرادی با منافع و ویژگی‌های مشترک را در عضویت خویش دارند، بحث حمایت از حقوق جمعی ضرورت ویژه‌ای پیدا کرده است. از این رو کشورهای مورد مطالعه با وضع قانون درصدد حمایت بیشتر از حقوق جمعیت‌ها برآمده‌اند تا در صورت ورود ضرر، وارد کننده زیان مسئول جبران خسارت شناخته شود. رویکرد قانونگذار ایران در دو قانون مورد اشاره مؤید این است که هرچند بصورت خاص و موردی به مقوله زیان جمعی توجه شده و گرایش به سمت تصویب قانون عام در مورد جبران این نوع خسارت قابل پیش‌بینی است. در این صورت با افزودن عبارتی بدین مضمون به ماده یک قانون مسئولیت مدنی ما را از تصویب قانون جداگانه ای بی‌نیاز می‌سازد.

۸. منابع

- [1] Henry Campbel Black, M.A., *Black's Law Dictionary*, 6ed, west publishing co. 1990.
- [2] Thomas. A . Dickerson and Leonard B. Austin, *Class Actions in 2013*, *newyork law jornal*, 2013.
- [3] www.dictionnaire-juridique.com/definition/prejudice.php
- [4] Mazeaud (Henrie et Leon), Mazeaud (Jean) et Chabas) Francois), *Lecons de droit civil*, t.2, v0l.1, 7ed, Montchrestien, 1985.
- [5] Michele Laure Rassat , *La Responsabilite Civile* , Amazon.ca, 1988
- [۶] صفایی، سید حسین، *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چ دوم، سمت، ۱۳۹۰.
- [۷] حسینی نژاد، حسین قلی، *مسئولیت مدنی*، چ اول، مجد، ۱۳۷۷.
- [۸] بهرامی احمدی، حمید، *مسئولیت مدنی*، چ اول، میزان، ۱۳۸۸.
- [۹] معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح مقررات کشور، *مسئولیت مدنی رسانه‌های همگانی*، چ اول، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح مقررات کشور، ۱۳۸۱.
- [۱۰] کاتوزیان، ناصر، *الزامهای خارج از قرارداد (ضمان قهری)*، چ هشتم، دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
- [۱۱] مهمان نوازن، روح الله، *خسارات قابل جبران در حقوق ایران*، چ اول، آثار اندیشه، ۱۳۸۸.
- [۱۲] سلطانی نژاد، هدایت الله، *خسارت معنوی*، چ اول، نور الثقلین، ۱۳۸۰.
- [۱۳] جعفری لنگرودی، جعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، چ اول، کتابخانه گنج

دانش، ۱۳۷۸.

[۱۴] ابوالحمد، عبدالحمید، *حقوق اداری ایران*، چ هفتم، توس، ۱۳۸۳.

[۱۵] السنهوری، عبدالرزاق، *الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید*، ج ۱، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۹۵۲.

[۱۶] عامر، عبدالرحیم و عامر، حسین، *المسئولیة المدینة التقصیریة والعقدیة*، قاهره، دار المعارف، الطبعة الثانية، ۱۹۷۹.

[۱۷] غمامی، مجید، *مسئولیت مدنی دولت نسبت به اعمال کارکنان خود*، چ اول، دادگستر، ۱۳۷۶.

[۱۸] لوراسا، میشل، *مسئولیت مدنی*، ترجمه محمد اشتری، چ اول، حقوقدان، ۱۳۷۵.

[۱۹] حبیب، سعید، *حمایت از دانش سنتی*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۷۲.

[20] Malaurie Philippe et Aynes Laurent, *Cours de droit civil*, 8 ed, paris, 1997

[21] Le Tourneau Philippe et cadietloic, *Droit de la responsabilite*, Dalloz, 1996

[۲۲] ژوردن، پاتریس، *اصول مسئولیت مدنی*، ترجمه مجید ادیب، چ دوم، میزان، ۱۳۸۵.

[۲۳] یزدانیان، علیرضا، *قلمروی مسئولیت مدنی*، چ اول، ادبستان، ۱۳۷۹.

[24] Stephen C Yeazell, *from Medieval Group Litigation to the modern class Action*, New Haven Yale University Press, 1987.

[۲۵] پروین، فرهاد، *خسارت معنوی در حقوق ایران*، چ دوم، ققنوس، ۱۳۸۲.

[۲۶] کریمیان راوندی، مهدی، *مسئولیت مدنی روزنامه‌نگاران*، چ اول، دادگستر، ۱۳۸۶.

[۲۷] میرحسینی، سید حسن، *حقوق نشانه‌های جغرافیایی*، چ اول، میزان، ۱۳۸۵.

[۲۸] شهیدی، مهدی، *تشکیل قراردادها و تعهدات*، جلد اول، چ هفتم، مجد، ۱۳۸۸.

[۲۹] انصاری، باقر، حقوق ارتباط جمعی، چ دوم، سمت، ۱۳۸۷.

[30] Andre, Tank, *International Encyclopedia of comparative Law*, v.11.2.

[۳۱] ره پیک، حسن، حقوق مسئولیت مدنی و جبران‌ها ، چاپ بیستم، انتشارات

خرسندی، ۱۳۹۱.

[32] Prasser, Wiliam, *The Law of Torts*, 4ed , West Publishing Co, 1971.

[33] Lawson, F.H ,*Remedies of English Law*, 2ed, London, 1980.

